

مناقشه بر سر مالکیت معنوی

مالکیت فکری دلالت بر تراوش‌های فکری و ذهنی بشر دارد و بنابراین حمایت از چنین حقی در چارچوب حق شخصی و فردی انسان و به‌طور کلی در حوزه حقوق بشر قرار می‌گیرد.



مالکیت فکری دلالت بر تراوش‌های فکری و ذهنی بشر دارد و بنابراین حمایت از چنین حقی در چارچوب حق شخصی و فردی انسان و به‌طور کلی در حوزه حقوق بشر قرار می‌گیرد.

هرچه به حق شخصی انسان در خصوص مالکیت او بر آفرینش‌های فکری، ادبی و هنری اش احترام گذاشته شود، به همان اندازه در ارتقای حقوق بشر گام‌های اساسی برداشته خواهد شد. اندیشمندان بسیاری وجود دارند که درباره حقوق مالکیت فکری به مثابه حقی بشری مطالعات مفصلی انجام داده‌اند. عده‌ای از آنان بر این باورند که اساساً باید میان حقوق مالکیت فکری و دیگر حقوق که از آنها تحت عنوان حقوق بشر یاد می‌کنیم، قائل به تفکیک شد. به اعتقاد آنها، سرقت اندیشه و استفاده از آن هرگز نمی‌تواند به ناخوشایندی شکنجه، قتل یا زنا به عنف باشد. این دست از محققان اعتقاد دارند حقی که نظام مالکیت فکری برای صاحب اثر قائل است از نوع ایجابی است در حالی که حقوق بنیادین بشری دارای ماهیت جوهری و درونی می‌باشد. به عنوان مثال التزام و اعتقاد به این که فرد نباید شکنجه شود فقط به علت ماهیت و اهمیت جوهری و درونی عدم شکنجه شخص است که لحاظ آن را به عنوان حقی بشری توجیه می‌کند و این امر مستقل از اعتبار بیرونی است که نسبت به عدم شکنجه بر آن بار می‌کنند. این در حالی است که این اعتبار را نمی‌توان برای تعداد بسیاری از حقوق مالکیت افراد قائل شد.

از سوی دیگر امروزه دیگر مخاطب بسیاری از حقوق مالکیت فکری، افراد نیستند بلکه سازمان‌ها، شرکت‌ها و موسسات چند ملیتی هستند که از موهبت این حمایت‌ها برخوردار می‌شوند. از این رو حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند در چارچوب حقوقی تحت عنوان حقوق بشر که هدف آن حمایت از فرد است گنجانده شود. زیرا حقوق مالکیت فرد در یک فرآیند سیستماتیک توجیه می‌شود. به این معنا که این اعتباربخشی به اعتبار کل سیستم مالکیتی که فرد جزئی از آن می‌باشد، توجیه پذیر است.

برخی دیگر از صاحب‌نظران چنین استدلال می‌کنند که به نظر می‌رسد بسیاری از حقوق مالکیت به این شرط در زمره حقوق بشر گنجانده شده که این اصل متصور بوده است که این حقوق در شمول حقوق بنیادین بشری نیست. در واقع در مورد بسیاری از حقوق مالکیت فکری این تردید وجود دارد که چنانچه شخصی واقعا این حقوق را به عنوان حقی اصیل برای خود فرض کند، آیا این فرض فارغ از به رسمیت شناختن دیگران، محترم شمرده می‌شود. یکی از این محققان مثالی می‌زند. او می‌گوید فرض کنید والدین شما مالکیت خانه‌شان را به شما واگذار می‌کنند اما به محض این واگذاری ناگهان جنگ داخلی شکل می‌گیرد. بعد از این جنگ هیچ کس مگر خود شما از این واگذاری اطلاعی ندارد. هم اکنون عده‌ای در خانه شما زندگی می‌کنند و شما نمی‌توانید از لحاظ قانونی اقدامی برای تصرف خانه انجام دهید. زیرا ادله حقوقی درباره ادعای خود ندارید. بنابراین جای تردید است که شما حقی نسبت به آن خانه داشته باشید مگر آن که آن حق از سوی دیگران به رسمیت شناخته شود. اما حقوق بنیادین بشری همچون حق حیات یا حق آزادی بیان از آن نوع حقوقی است که برای انتساب آن به افراد، نیازمند تأیید یا به رسمیت شناختن آن از سوی دیگران نیست حتی اگر نقض شود.

باوجود این دیدگاه‌ها باید گفت که ماده 27 اعلامیه جهانی، حق هر انسانی را به بهره‌مندی از آنچه امروز حقوق مالکیت فکری خوانده می‌شود به رسمیت می‌شناسد. در مجموع معاهدات حقوق بشری، اصطلاح مالکیت فکری وجود ندارد، ولی این به آن معنا نیست که این معاهدات نسبت به حقوق مالکیت فکری سکوت کامل اختیار کرده است. در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همان‌گونه که خواهیم دید، بصراحت چنین حقی به رسمیت شناخته شده است. در برخی از معاهدات منطقه‌ای هم از حق مالکیت به‌طور کلی نام برده شده از جمله ماده 14 منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، 1981؛ بند یک ماده 21 کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، 1479 و ماده یک پروتکل شماره یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، 1950. و از آنجا که مالکیت فکری، نوعی از مالکیت است می‌توان آن را مشمول حمایت این قبیل معاهدات دانست. حال در این مختصر، نگاهی کوتاه و گذرا به اعلامیه جهانی حقوق بشر و سپس میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌اندازیم تا میزان حمایت از حقوق مالکیت فکری را در این اسناد مورد بررسی قرار دهیم.

نخست: اعلامیه جهانی حقوق بشر
رنه کسن یکی از معماران اصلی ساختار فعلی حقوق بشر بر اهمیت ارتباط میان قانون، اثر خلق شده و خالق و رابطه میان آنها و حقوقی که درون این ارتباط جریان دارد، تأکید کرده است. به اعتقاد او، بیشتر انسان‌ها این قابلیت و تمایل را دارا هستند که فعالیت‌های خلاقانه و فکری خود را در چارچوبی فراتر از الزامات نظام مالکیت ادبی و هنری توسعه دهند. در نتیجه این فعالیت‌ها سزاوار حمایت و احترام همسان با دیگر ادراک انسانی می‌باشد. از همین رو حق مالکیت فکری در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده شد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر بصراحت از اصطلاح حقوق مالکیت فکری استفاده نمی‌کند اما در حقیقت این حق را در بند 2

ماده 27 مورد شناسایی قرار می دهد و حقوق مالکیت فکری را به عنوان حق بشری به رسمیت می شناسد. ماده 27 اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین اشعار می دهد که: «1) هر کس حق دارد آزادانه در حیات فرهنگی جامعه مشارکت کند، از هنرها بهره مند شود و در پیشرفت علمی و منافع آن سهیم شود. (2) هرکس نسبت به حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن است، حق دارد.»

در بند 2 این ماده، به واژه آفریننده اشاره شده است که در واقع ناظر به پدید آورنده یک اثر ادبی و هنری است. در این بند در کنار ذکر عنوان ادبی و هنری از واژه تولید علمی نیز استفاده شده که نشان دهنده آن است که نویسندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفهومی گسترده تر از آثار ادبی و هنری را در نظر داشته اند و این بند مشمول دیگر دستاوردهای علمی در حوزه های مختلف است. زیرا تلقی بیشتر نمایندگان در کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی بر آن بوده که اختراعات نیز مشمول حمایت است.

نکته دیگر این است که در بند دوم ماده 27 از عبارت «هرکس» استفاده کرده است. از این رو با توجه به مواد دیگر اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین المللی در این زمینه و نیز نظر به رسالت ذاتی این اسناد در حمایت از فرد به مفهوم صرف شخص حقیقی، باید اذعان کرد که این قبیل حمایت ها فقط مختص اشخاص حقیقی است و موسسات، نشریات و شرکت ها را هر چند که صاحب این آثار باشند در زیر چتر حمایتی خود قرار نمی دهد.

با توجه به ماده 27 اعلامیه جهانی حقوق بشر می توان گفت که این ماده 3 حق را مورد تصریح قرار می دهد و در پی آن است تا از طریق ضمانت اجراهای اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن را برای تمام اینان بشر به رسمیت بشناسد:

الف) مشارکت در حیات فرهنگی

ب) سهیم شدن در پیشرفت علمی و منافع آن

ج) بهره مندی از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری

دوم: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

گرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان قانون بنیادین در تکوین اصول و آرمان های بشری از جایگاه درخوری در عرصه بین المللی برخوردار است. با وجود این، در سال های ابتدایی تصویب این سند، تصویری در میان عده ای از کشورها شکل گرفت که اعلامیه از خصلت الزام آور بودن برخوردار نیست و تعهدی حقوقی در قبال اجرای آن ندارند. از همین رو بود که عزم جامعه جهانی بر آن شد تا دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را به عنوان اسنادی الزام آور به تصویب برسانند و بیش از پیش بر غنای اصول بنیادین حقوق بشر افزوده شود. میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تنها معاهده حقوق بشری است که حقوق مالکیت فکری را به رسمیت می شناسد.

بند اول ماده 15 میثاق بیان می دارد: دولت های طرف میثاق حاضر، حق هر کس را نسبت به امور ذیل به رسمیت می شناسند: الف) مشارکت در حیات فرهنگی، ب) بهره مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن و ج) برخورداری از حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن هستند.

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می توان پشتیبانی برای اعلامیه جهانی حقوق بشر در این زمینه دانست. از آنجایی که میثاق دارای تعهدات الزام آور برای کشورهای عضو است؛ بنابراین این تعهدات می تواند در مورد حقوق ماهوی تضمین شده در بند اول ماده 15 به کار برده شود. این حقوق ماهوی شامل حق هرکس در مشارکت در حیات فرهنگی، برخورداری از منافع پیشرفت های علمی و از همه مهم تر حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان تمام اشکال آثار فکری است. حمایت از حقوق خالقان از آنجا دارای اهمیت مضاعف گشت که فقدان مقررات مرتبط با حقوق مالکیت که در زمان تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر تحت عنوان کلی حق بشری لحاظ شده بود، احساس می شد. بند 15.1 (C) میثاق، تعهدی مبنی بر الزام کشورهای عضو به حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار فکری را به رسمیت می شناسد. در واقع این تعهد، ابزاری برای شناسایی حق مالکیت ادبی و هنری به مثابه حقوق بشر از سوی دول عضو میثاق است. اما آزادی های بسیاری را برای کشورها، در زمینه متن و ماهیت حقوقی حمایتی که قرار است انجام دهند، در نظر گرفتند. با وجود این چارچوب حقوق بشر که حق مالکیت ادبی و هنری نیز در آن لحاظ شده است، تعدادی رهنمود لازم الاجرا نیز مقرر کرد:

1- حق مالکیت ادبی و هنری باید مطابق با کرامت انسانی که در اسناد و هنجارهای حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، باشد.

2- حقوق مالکیت ادبی و هنری مرتبط با علوم، باید پیشرفت های علمی و دسترسی به مزایای حاصل از آن را توسعه و گسترش دهد.

3- نظام مالکیت ادبی و هنری باید به آزادی های ضروری برای تحقیقات علمی و فعالیت های خلاقانه احترام بگذارد.

4- نظام مالکیت ادبی و هنری باید موجب تقویت همکاری های بین المللی در زمینه علمی و فرهنگی شود.

تکوین این حقوق به سختی امکان پذیر و طرح های پیشنهادی بسیاری برای قرار دادن حقوق مالکیت فکری در میثاق ارائه شد که بسیاری از آنها مورد انتقاد قرار گرفت و تعدادی هم اساساً رد شد. اما در نهایت ماده فعلی میثاق با 39 رای موافق، 9 رای مخالف و 24 رای ممتنع به تصویب رسید.

مهدی یوسفی / جام جم